

مجموعه نمایشنامه لوندرا

فاطمه رحمتی

مجموعه نمایشنامه



خب باشه اینم فرضیه‌ی هو گو بود...

خب ما شروع کردیم به قطع کردن درخت‌ها که ریشه‌هاشون رو دربیاریم. بعد یه سری آدم‌های اون جا که فکر کنم اسمشون بومی بود چون فرمانده بهشون می گفت بومی‌های آفریقا، اومدن گفتن... چی گفتن؟ آهان، گفتن این درخت هارو قطع نکنید که خب فرمانده خیلی از این حرفشون خوشش نیومد. اون جا بود که من با درك عالی خودم از موقعیت رفتم و گفتم آخه واقعا درسته که ما این درخت‌ها رو قطع کنیم؟ ما بلژیکی‌های بزرگ؟ دست‌های ما برای کارهای کوچیک ساخته نشده. این دفعه هم فرمانده خیلی خوشش اومد. به بومی‌ها گفت که اون‌ها باید درخت‌هارو قطع کنن. بومی‌ها هم که انگار از اول خیلی موافق نبودن، گفتن نه.

این جا بود که فرمانده یه بازی کوچیک راه انداخت که قوانینش این جور بود یا کائوچو تحویل می‌دادی یا دستت رو. اون دست کوچولوها هم کائوچو رو انتخاب کردن. انگار نه انگار این همه مدت داشتن می گفتن درختارو قطع نکنید. آدمای عجیبی بودن. ولی خویش این بود که بعد چند ماه خسته شدن و یه سری دست هم گیر ما اومد. راستش تنوع خوبی بود. من یکی که از تحویل گرفتن شیرهای مزخرف درخت خسته شده بودم.

لوندرا

فاطمه رحمتی

ISBN : 978-622-5567-12-2



9 786225 567122